مترو سواری به وقت کرونا

صندلی ممنوع

محمد مطلق
گزارش نویس

مسافران که از تاکسی پیاده می‌شوند، دستکش‌ها را درمی‌آورند و توی کیف‌هایشان دنبال ماسک می‌گردند. این آیین، هر روز مو به مو در محوطه ایستگاه متروی شهر ری اجرا می‌شود؛ ایستگاهی که یک سمتش تاکسی‌های خطی صف کشیده‌اند و سمت دیگرش اتوبوس‌ها. مسافران به تندی و با عجله از کنار هم عبور می‌کنند. آنهایی که بیرون می‌آیند، ماسک‌ها را درمی‌آورند و دستکش به دست می‌کنند و آنهایی که وارد می‌شوند برعکس. این یعنی توی واگن مترو ماسک کارایی بیشتری دارد تا دستکش. می‌توانی یک گوشه سر پا بایستی و تا مقصد دست به جایی نزنی اما نمی‌شود نفس نکشید آن هم وقتی که شانه به شانه و پشت به پشت بقیه ایستاده‌ای یا بهتر که بگویم چیده شده‌ای. تاکسی اما فرق می‌کند؛ توی تاکسی کار آدم با یک دستکش هم راه می‌افتد. یک دستت را تمیز نگه می‌داری برای جواب دادن به تلفن و جا به جا کردن عینک و دست کشیدن به دماغ و دهنت، یک دست پوشیده در دستکش هم برای گرفتن دستگیره و کرایه دادن و این طور چیزها.

چند روزی است پلیس مترو پیش از عبور از گیت، تذکر می‌دهد که همه ماسک بزنند. تک و توک مسافرانی هم پیدا می‌شوند که اصلاً بدون ماسک و دستکش بیرون آمده‌اند که بعضی‌هایشان قبل از رد شدن از گیت گیر می‌افتند و مجبور می‌شوند از ماسک فروشی دم دریکی بخرند که داد می‌زند «ماسک استریل سه تا پنج تومن، دونه‌ای دو هزار.» بعضی‌ها کارشان به فحش و داد و بیداد می‌کشد و بازگشت به خیابان. بعضی هم البته زرنگند و می‌توانند وسط جمعیت طوری پیچ و تاب بخورند که نه ماسک بخرند، نه پول بلیت بدهند. خوش به حال شان! آدم باید زرنگ باشد که من یکی نیستم.

قطارها در ایستگاه شهر ری یکی در میان خالی از راه می‌رسند و از همین ایستگاه مسافرگیری می‌کنند و البته ارزشش را دارد که به خاطر آن همه صندلی بدون مسافر صبر کرد مگر اینکه خیلی عجله داشته باشی. اینجا یک ایستگاه شانس داری فاصله اجتماعی را رعایت کنی اما بگو مگوها درست از ایستگاه بعدی شروع می‌شود.

صندلی‌ها یکی در میان برچسب «نشستن ممنوع» خورده و زیر هر برچسب هم نوشته شده «برای سلامتی خود و دیگران فاصله اجتماعی را رعایت کنید.» خیلی‌ها اول خط کیف‌شان را روی برچسب می‌گذارند و خودشان را به خواب می‌زنند. این هم روش خوبی است و اگر اوج شلوغی مترو نباشد، می‌توانند چند ایستگاه را بی‌هیچ تنشی رد کنند اما وقتی تعداد ایستاده‌ها زیاد شد، قاعدتاً رعایت فاصله اجتماعی بین نشسته‌ها موضوعیت خود را از دست می‌دهد. آن وقت است که دست ایستاده‌ها به‌سمت کیف نشسته‌ها می‌رود:

- آقا مگه برچسب رو نمی‌بینی؟
- چه ربطی داره؟ اگر مسأله رعایت فاصله‌اس که مردم سرشون روی شونه همدیگه‌اس. برچسب برای وقتیه که مترو خلوت باشه.
- قربون منطقت برم الهی یعنی وقتی ترافیک سنگین شد، می‌تونی از چراغ قرمز رد بشی؟
- آقا راست میگه دیگه چرا بحث می‌کنی الکی. مردم دماغ به دماغ وایستادن تو می‌خوای سه تا صندلی بگیری؟
- عزیز من، من کرونا دارم به‌خاطر خودش می‌گم، اینکه به خودش رحم نمی‌کنه.
- اشکالی نداره منم دلم می‌خواد بگیرم راحت بشم.
- واقعاً کرونا داری؟
- می‌تونی بگی ندارم؟ من می‌تونم بگم تو نداری؟ خب این برچسب زهرماری برای همینه دیگه.
- آقا این کرونا داره دست به دست کنین بره بیرون!
- لال از دنیا نری صلوات ختم کن!

قطار توی ایستگاه محمدیه ایستاده و حرکت نمی‌کند. راننده با بلندگو خطاب به مردی که او را نمی‌بینیم می‌گوید: «آقای محترم از تو واگن خانما بیا بیرون وگرنه حرکت نمی‌کنم. آقای محترم با شما هستم بفرما بیرون.» تحلیل‌ها شروع می‌شود:

- طرف دیده واگن خانما خلوته رفته اونجا که قشنگ از فاصله اجتماعی لذت ببره.
- حالا خوبه بره اون طرف کرونا بگیره آی می‌خندیم.
- الو سلام... ببین! فاصله اجتماعیتو با من کم کن حواسم بهت هست ها... الو صدا نمیاد؟
- آقا نه جادوه نه چشم‌بندی؛ سوزن رو می‌ذاری تو این سوراخ، دکمه رو فشار میدی، نخ رو میندازی دور قلاب، سوزن شما نخ شد. نه چشم بندیه نه جادو جنبل، حالا اون تو چه اتفاقی می‌افته منم خبر ندارم، یه بسته بخر برای مادر که بهشت زیر پاشه، یکی هم برای مادر زن که گناه داره. ۲۵ تا سوزن، دو تا سوزن نخ کن، پنج تا قرقره نخ، پنج هزار. والا خودمم که اینا رو می‌فروشم تعجب می‌کنم از این همه ارزونی. آخه مگه میشه ۲۵ تا سوزن دو تا سوزن نخ کن پنج تا قرقره پنج هزار؟ برگردم این طرفیا هم ببینن نه چشم بندیه نه جادو جنبل عزیزم.
- پدر جان همه زدن تو کار ماسک و دستکش، سوزن نخ چیه آخه می‌فروشی؟
- بالاخره وقتی همه تو خونه کارگاه ماسک دوزی راه می‌اندازن، نخ و سوزن هم می‌خوان لابد.
- ماسک نانو سه تا پنج تومن دونه‌ای دو هزار. ماسک استریل نانو؛ جا نمونی. سه نفر داریه به دست وارد می‌شوند: «نمی‌خواهم که بی‌تابت ببینم، بی‌بی صنم جانم انار سیستانم، دلم خواهد که شادابت ببینم، بی‌بی صنم جانم انار سیستانم، ندیدم من به بیداری رخت را، بی‌بی صنم جانم انار سیستانم، بخوابم بلکه در خوابت ببینم، بی‌بی صنم جانم انار سیستانم هی... شاد باشین همشهریا، برای رعایت فاصله اجتماعی و پروتکل‌های بهداشتی، می‌تونید کارت به کارت کنید.» دستگاه پُز را می‌گذارد توی داریه و می‌چرخاند.
- آقا قشنگ کرونا مالی‌مون کردی دمت گرم.

خدای من مثلاً آمده بودم مترو تا ببینم مردم چقدر فاصله اجتماعی را رعایت می‌کنند و توی شلوغی چطور باهم کنار می‌آیند، ببینید سر از کجا درآوردیم. حواس برای آدم نمی‌ماند که. بغلی دستی‌ام هنوز مشغول شماره گرفتن است:

- الو میگم فاصله اجتماعیتو با من کم کن... الو صدا نمیاد؟ بذار از مترو اومدم بیرون زنگ می‌زنم.
- آقای مطالعه! با یه دست هم میشه کتاب رو گرفت. یه دستت به میله باشه هی خودت رو نندار روی ما... از میله می‌ترسی؟ بابا بی‌خیال اینجا همه کرونا داریم بیا کرونا اینجا کرونا اونجا کرونا همه جا.
- بزن دست قشنگه رو.

میزان

آنها ماسک نانو می‌خرند و می‌دانند این فقط یک اسم بی‌معنی است، تا جایی که امکان دارد از نشستن روی صندلی ممنوع امتناع می‌کنند اما می‌دانند بی‌فایده است، گروه‌های موسیقی را تشویق می‌کنند درحالی که می‌دانند چنین آمد و شدی خطرناک است و هزار و یک چاره و ناچاری دیگر

بدبین نباشید، یکی از مأموران مترو می‌گوید: «کار ما این است که اینجا بنشینیم و به رفتار مردم نگاه کنیم. اگر از من می‌پرسی، به نظرم مردم نه تنها مسائل بهداشتی را خوب رعایت می‌کنند، اصلاً آرام‌تر و مهربان‌تر هم شده‌اند. شلوغی مترو هم که تقصیر مردم نیست. تعداد قطارها را بیشتر کنند و زمان حرکت کوتاه‌تر شود، خلوت‌تر می‌شود و آن وقت همین مردم قوانین را هم بیشتر رعایت می‌کنند. اگر دقت کنید تا جایی که واگن‌ها پر نشده‌اند، کسی روی صندلی ممنوع نمی‌نشیند حتی خیلی‌ها سر پا می‌ایستند که شانه به شانه هم نباشند. ولی خب وقتی تعداد ایستاده‌ها زیاد شد، طبیعی است که مردم خودشان تعادل ایجاد می‌کنند.»

مسافران توی ایستگاه مصلی به تندی از کنار هم می‌گذرند؛ آنهایی که بیرون می‌آیند، ماسک‌ها را درمی‌آورند و دستکش به دست می‌کنند و آنهایی که وارد می‌شوند برعکس. این آیین هر روز به دقت و مو به مو در ایستگاه مصلی برگزار می‌شود؛ آیینی که مسافران با امید و ناامیدی به آن تن داده‌اند. ماسک نانو می‌خرند و می‌دانند این فقط یک اسم بی‌معنی است، تا جایی که امکان دارد از نشستن روی صندلی ممنوع امتناع می‌کنند اما می‌دانند بی‌فایده است، گروه‌های موسیقی را تشویق می‌کنند درحالی که می‌دانند چنین آمد و شدی خطرناک است و هزار و یک چاره و ناچاری دیگر.

پا به خیابان که می‌گذارم هنوز پژواک خوش بی‌بی صنم در جمجمه‌ام می پیچد: «کسی حرف دل ما را ندانست، بی‌بی صنم جانم انار سیستانم، بهای محصول ما را ندانست، بی‌بی صنم جانم انار سیستانم، بجز طوفان کسی در شهر غربت، بی‌بی صنم جانم انار سیستانم، نشان منزل ما را ندانست، بی‌بی صنم جانم انار سیستانم.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۴۰۶

آسان

		۲						۸
			۸				۳	
۸		۱	۷	۳		۹	۴	۵
۳		۵		۸				۹
۶			۲	۵				۷
۱	۸		۴			۶		۶
۵	۹	۶		۴	۷	۱		۲
				۶		۹		
۴					۵			

متوسط

۷	۵		۶					
		۲			۴	۶		
	۳			۲		۸	۱	
			۹		۴			۱
	۷					۵		
۲			۱		۵			
	۴	۷		۴		۳		
	۱	۵						
					۸	۱		۴

سخت

۵			۶		۸		۱	
۱	۴		۹					
		۲		۱		۶		
	۱		۴	۸				
	۸						۶	
				۳	۶		۸	
		۱		۵		۷		
					۹		۴	۲
	۶		۳		۷			۹

خیلی سخت

		۵		۷	۲			۶
	۹		۶		۱		۷	
						۵		
				۹		۲	۵	
		۴				۷		
۹	۱			۸				
		۷						
	۴		۱		۸		۶	
۸			۵	۴		۲		

حل جدول سودوکو شماره ۳۴۰۶

آسان

۴	۶	۲	۵	۱	۹	۸	۷	۳
۵	۹	۱	۸	۷	۳	۴	۶	۲
۸	۳	۷	۶	۴	۲	۱	۵	۹
۹	۵	۴	۳	۲	۷	۶	۱	۸
۱	۲	۶	۹	۵	۸	۳	۴	۷
۳	۷	۸	۱	۶	۴	۹	۲	۵
۶	۸	۵	۴	۹	۱	۷	۳	۲
۲	۱	۹	۷	۳	۵	۱	۸	۶
۷	۴	۳	۲	۸	۶	۵	۹	۱

متوسط

۷	۵	۱	۶	۳	۹	۲	۴	۸
۹	۸	۲	۴	۵	۷	۶	۳	۱
۴	۳	۶	۱	۸	۲	۹	۷	۵
۱	۶	۵	۹	۴	۸	۳	۲	۷
۳	۴	۸	۷	۲	۵	۱	۹	۶
۲	۷	۹	۳	۱	۶	۵	۸	۴
۸	۹	۴	۵	۶	۱	۷	۳	۲
۶	۱	۷	۸	۹	۳	۴	۵	۱
۵	۲	۳	۲	۷	۴	۸	۱	۹

سخت

۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۱	۲
۱	۴	۷	۹	۲	۳	۵	۶	۸
۸	۶	۲	۵	۱	۴	۷	۳	۹
۹	۱	۳	۸	۴	۷	۶	۲	۵
۴	۷	۵	۳	۶	۹	۱	۸	۷
۲	۸	۶	۱	۵	۲	۳	۹	۴
۷	۵	۱	۴	۹	۶	۸	۷	۳
۳	۹	۸	۷	۳	۵	۴	۱	۶
۶	۲	۹	۲	۸	۱	۷	۴	۵

خیلی سخت

۶	۸	۴	۵	۷	۲	۱	۳	۹
۳	۵	۷	۸	۹	۱	۶	۴	۲
۱	۹	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸
۴	۶	۱	۹	۳	۸	۲	۵	۷
۵	۳	۸	۷	۲	۶	۹	۱	۴
۷	۲	۹	۱	۴	۵	۸	۶	۳
۸	۴	۵	۶	۱	۹	۳	۲	۷
۹	۱	۶	۴	۸	۳	۷	۵	۱
۲	۷	۳	۲	۵	۷	۴	۸	۶

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۳۷۲

جدول عادی

افقی:
۱- مراسم بزرگداشت- طرفدار دوآتیشه و همیشگی
۲- وجه اشتراک مجله- پول حاصل از صادرات- باهمت
۳- مایه- بالاتراز «سپهبد»- زبردست، استاد
۴- مانع آب- بنشن ریز- نت مخمور- سومین شهر بزرگ «بلغارستان»
۵- سر، رأس- بسیاردانا
۶- راه خروج- میل به غذا- دانشمند
۷- صندلی راحتی- صوت درد- از مشخصه های اصلی «اسکیزوفرنی»- باریک‌بینی
۸- حرف جمع- مثل- پزشک- ضمیر جمع
۹- قوه بینایی- اسم دخترانه- اشاره به دور- مقابل میوه رسیده!
۱۰- رنگی برای خودرو- رازها- کابوس مارا!
۱۱- لزوم- طرف
۱۲- دما- حرف نشانه مفعول- قعرجهنم- صحنه تئاتر
۱۳- آدمک شطرنج- نانجیب و بدسرشت- پیشوند فقدان
۱۴- گلزن‌ترین مدافع تاریخ لیگ برتر انگلیس- زمستان- بشقاب لب‌تخت کوچک
۱۵- پرجمعیت‌ترین شهر «ژاپن» پس از توکیو- معمول ومرسوم

عمودی:
۱- حرف انتخاب- گلر معروف تیم «شهرخودرو»
۲- مقابل «بایر»- جذب و کشش- رونده
۳- از اعداد ترتیبی- نرم افزار ساخت آبجکت‌های دو بعدی- ابزاری شبیه انبردست
۴- ضمیر وزنی- بلندی و بزرگی قدر- دستبند زنانه
۵- حاضر، مهیا- کنیزک- علامت مصدر جعلی- مخفف شاه
۶- به حد کمال نرسیده- نوعی دزدی شرکتی- بعد از «آلفا»
۷- الفبای ساز- خودآرایی- مرکز «هلند»
۸- سرزنش- عضو یا وابسته به یک حزب
۹- قهرمان جنگل شروود- ویتامین کیوی- قرص
۱۰- گل سرخ- اثر برجسته ادبی- همیشه
۱۱- خودنمایی، افاده- منطقه‌ای در «انگلیس»- محتوای نوشته- شهری در «آذربایجان غربی»
۱۲- بازدارنده- میان‌تهی- حیوان وحشی
۱۳- عهدنامه- محله- چه بسیار
۱۴- گرو گذارنده- حکیم قرآنی- سازمان پیمان دفاع منطقه‌ای آسیای جنوب‌شرقی
۱۵- لقب «ملاصدرا»- دلیر

جدول ویژه

افقی:
۱- سنگی قیمتی- پرنده‌ای از راسته توفان مرغ سانان و خانواده مرغان آبی
۲- اثر «جلال آل احمد»- پدر فرنگی- جاسوسخانه امریکا
۳- میوه مربایی- نام خانوادگی- وسیله‌ای برای گرم کردن وجوشاندن آب
۴- نفس سوزناک- فیلمی از «کلودشابرول»- جانشین «او»- بی موقع
۵- میان‌سرای- دانشنامه رایانه‌ای
۶- پرآوازه- شهری در استان «گیلان»- کوچک‌تر از اقیانوس
۷- روی آوردن بخت و اقبال- حرف «روسی»- تاکنون- متحد
۸- شهری در «فرانسه»- کلمه دعایی به معنی باشد- امر به گداختن- شهرخرما
۹- شیرینی سنتی ایرانی- فیلسوف «اسکاتلندی» و از پیشروان مکتب تجربه گرایی- گدایی- مارکی برخودروی ون
۱۰- شهری در شمال کشورمان- سهولت- خدمتکار پیر
۱۱- علم بررسی خواص مختلف آب‌های کره‌زمین- برنامه انگلیسی
۱۲- شهری در استان «کرمانشاه»- ادات تشبیه- خون بها- شکل لباس
۱۳- شیوه رفتار- خوف انگیز- کلمه ربط
۱۴- از توابع «باوی» خوزستان- فام- شرکت خودروسازی «امریکا»
۱۵- اثر «سینکلرلوئیس»- طوفان

عمودی:
۱- گیاهی خاردار- از جاذبه‌های طبیعی زیبای «داراب»
۲- روزی در هفته- دارای یک اسم- ترانه «علی لهراسبی»
۳- طعم- نخجیر- مکتب ادبی
۴- بسی رنج بردم در این سال...- دریا- مثل و مانند
۵- تنیدن- تاج دار شطرنج- خرده سنگ از ریگ نرم‌تر- هرگزنه
۶- امر به زدودن- اسب ماده- سبک عقلی
۷- از نشانه‌های فعلی جمع- از خواهران برونته- تیم «اسپانیایی»
۸- گیاهی برای مصرف دام- شهری در استان «گیلان»
۹- سفیر تیم «تاتنهام»- ساز پرسوز- منقار مرغان
۱۰- ضد «خوبی»- پلیدی و ناپاکی- وسیله نشانه روی به‌شکل دایره‌های تودرتو
۱۱- ویتامین جوانی- جنس مذکر- توشه- فلش
۱۲- الکترود متصل به قطب منفی- شکم پرست- عنصر نمک
۱۳- نجات- قسمتی از پا- ماده متصل کننده
۱۴- زیرک- پشت سرهم- نویسنده «نانا»
۱۵- سومین فیلم «اصغر نعیمی» به‌عنوان کارگردان- عدم قبول

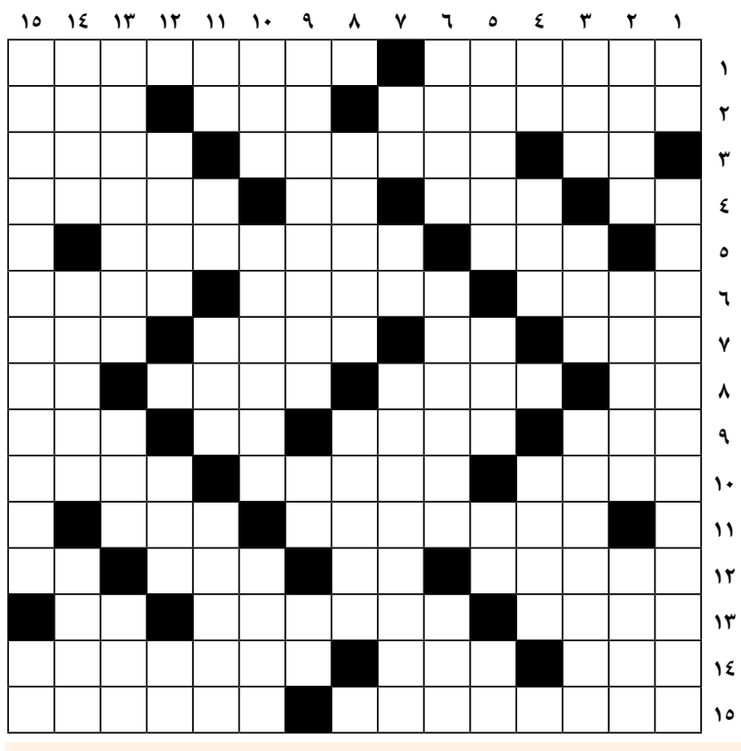

حل جدول عادی شماره ۷۳۷۱

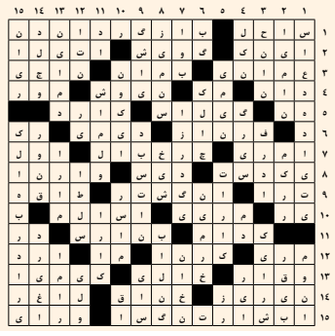
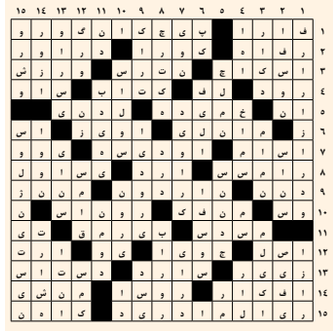
حل جدول ویژه شماره ۷۳۷۱